شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

SHAHRARANEWS.IR

سال چهاردهم
۵شنبه
۲۱ مهر ۱۴۰۱
۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۴
شماره ۳۷۸۲

میثاق نامه اخلاق حرفه‌ای

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

- اذان ظهر ۱۱:۱۷:۴۶
- غروب آفتاب ۱۶:۵۸:۴۰
- اذان مغرب ۱۷:۱۷:۰۲
- نیمه شب شرعی ۲۲:۳۵:۴۷
- اذان صبح فردا ۰۴:۱۳:۴۵
- طلوع آفتاب فردا ۰۵:۳۷:۴۶

شهید جاوید مقدس

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۱/۰

کجائی ای شهیدان خدایی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۸/۲۰
محل تولد: مشهد
محل شهادت: تهران
نحوه شهادت: حملات هوایی

آشپشال

اندر باب عاشقی

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

علی‌الطلوع که‌رفتیم نان بخریم گفتیم برویم در بوستان بغل عمارت همایونی کمی قدم بزنیم ... هوا خنک بود وصدای قارقار کلاغ از بوستان شره می کرد. قدم زنان چند برگ پاییزی را لگد کردیم من بعد ذلک سربلند کردیم ای دل غافل بفرما. یک پاییز دیگر هم از عمرمان شروع شد. یکی راهم نداریم توی این سوز یواش ودلبر دستش رابگیریم برویم کوهسنگی ای، تقی آبادی، طرقبه ای، جایی، دست کوچولویش را بگیریم توی دستمان بعد هردوتا دستمان، را بکنیم توی جیبمان قدم بزنیم و حرف های قشنگ قشنگ بگوییم. هی دل جفتمان ضعف برود. بعدش هم یک چایی ای قهوه‌ای چیزی بخوریم هی حرف بزنیم بخار از حلقمان جفتی بزند برون مثل توی فیلم ها ... این جوانی هم خوب نعمتی است ها ... نزدیک های خانه میزیحیی خان صحاف باشی رادیدیم. توی پارک نشسته بود اشک می ریخت. پیرمرد توی صحافی لنگه نداشت درهمین مشهد خودمان. رفتیم جلو جویای احوال شدیم که چرا گریه می کنی؟ کسی اتفاقی افتاده برایش؟ تصادفی. مرضی، طلاقی، چیزی؟ عارض شدند خیر. گفتیم خب جان به لب شدیم بگو چه شده ؟ گفت: دیشب با عیال اختلاط می کردیم گفتم دلم برای روزگار نامزدی‌مان تنگ شده ... عیالمان پشت چشم نازک کرد که من هم همین طور. من بعد ذلک گفتیم بیا یک تجدید خاطره‌ای بکنیم عیال گفت: چگونه؟ گفتم من می روم توی پارک محل مثل قدیم‌ها همان نیمکت همان ساعت ۱۰ صبح تو هم بیا سر قرار ... عیال اولش امتناع می کرد بعد کلی اصرار گفت باشد می آیم.

گفتیم خب ادامه‌اش میزیحیی خان؟ گفت: هیچی صبح علی الطلوع بیدار شدیم. صورت صفا دادیم. تیشان فیشان کردیم. بدرفتیم دوچهارراه بالاتر گل خریدیم که به‌وقت برسیم سر قرار هرچه صبر کردیم نیامد.

بعد از کلی چشم مالیدن واین پا وآن پا کردن تلفن ورداشتیم زنگ زدیم که مهری خانم چرا نمی آیید. کلی صدا یواش کرده دم گوشمان گفتند: زنگ نزن بابامان هنوز خانه است بیرون نرفته. به مادرم هم گفتیم اجازه نفرمودند از خانه بیرون بیاییم گفتند آجان ها هستند چادر از سر ناموس مردم می کنند. بعد هم با کلی گریه وناله گفتند دلشان برایمان تنگ شده ولطفا مرا ببخش که‌نتوانستم بیایم.

پس کله خاراندیم. گفتیم حقیقتا این عشق هم عجایب خلقتی است. چنانکه مهری خانم را چنان در نقش فرو برده وغبار خاکستری این سال‌ها راکنار زده وشعف به‌رگ‌های خسته‌این زوج ریخته که این چنان حس جوانی می کنند ودر تب وتاب هم می سوزند ... حقیقتا که‌ما درچه خیالیم وفلک در چه خیال ...

به قلم میرزاابراهیم خان شکسته‌نویس

اول شخص

پیام آوری افسونگر از مشرق زمین داستان سرا

یادی از نگارگر فقید ایرانی، حسین بهزاد، هم‌زمان با سالروز درگذشت او

آزاده چشمه سنگی
نویسنده

حسین بهزاد از همان قلمدانی هایی که زمانی با دست های کوچک هفت سالگی اش ساخته بود، روزی قلم برداشت و پایش را از عرصه هنر موروثی آباواجدادی اش یعنی قلمدان سازی بیرون کشید و وارد دریای بی انتهای نقاشی شد؛ دنیایی که آرام وقرارش را درمیان رنگ ها و خطوط باریک مینیاتور می دید. بیماری وبا که پدر و استادش را هم زمان از او گرفت، حسین نوجوان را با دنیای تنگدستی و تنهایی روبه رو کرد. اما دشواری راه، او را طوری مستقل و صبور پرورش داد که در هجده سالگی توانست برای خودش کارگاه مستقلی دست وپا کند؛ کارگاهی که در آن بیش از اینکه به خلق آثار بدیع مشغول باشد، به بازخلق آثار قدما می پرداخت. اما زمانی که سرنوشت، موسیو رابینو، باستان شناس فرانسوی را بر سر راهش قرار داد، دریچه تازه‌ای از زندگی حرفه‌ای برابر دیدگان پرشور او گشود. موسیو رابینو که دست بهزاد را گرفت و با خود به اروپا برد، برای نخستین بار او را با آثار قدیمی و ماندگار در موزه های لوور و گیمه و ورسای آشنا کرد. در همان جا مشغول به کار شد و مطالعه را هم‌زمان ادامه داد. این برش از زندگی حسین بهزاد، همان نقطه عطفی بود که باعث شد خودش را طور دیگری بشناسد. توانایی هایش را کشف و شیوه خاص خودش را در زمینه مینیاتور پیدا کند؛ شیوه‌ای که روش های مرسوم قدیمی را شکست و هنر ایرانی را با نگاهی نو به نقاشی روز جهان، بازآفرینی کرد. حالا تابلوهای مرسوم در قطع کوچک، جای خود را به تابلوهای بزرگ‌تری داده بودند. چهره‌ها و آداب ورسوم که همگی رنگ وبوی فرهنگ مغولی داشتند، به زیبایی ایرانیزه شدند. تعداد شخصیت ها در تابلوها کم شد و به جای تعدد افراد در تابلو، احساسات درونی آن‌ها به تصویر کشیده شد.

حسین بهزاد از اروپا که برگشت، کارهای تجاری را کنار گذاشت و مشغول خلق آثار بی‌نظیری همچون فتح بابل و ایوان مداین و شب قدر حافظ شد. حسین بهزاد در خانه‌ای، آثارش را خلق می‌کرد که محل آمدوشد چهره‌هایی نظیر بدیع الزمان فروزانفر و میرزاده عشقی و ملک الشعرای بهار بود. خانه‌ای که بنا به وصیتش، تبدیل به آموزشگاه نقاشی شد و آن را درحالی به‌سوی خانه ابدی‌اش ترک می‌کرد که در هفتادوچهارسالگی بیش از ۴۰۰ اثر هنری خلق کرده بود و ۱۷ نمایشگاه در داخل و خارج کشور به نمایش گذاشته بود.

کاخ کرباسی در مجموعه سعدآباد، حالا چیزی قریب به ۲۸۹ اثر از آثار حسین بهزاد را در خود جای داده است؛ آثاری که ژان کوکتو، هنرمند فرانسوی، خالق آن ها را «پیغمبری افسونگر از مشرق زمین داستان سرا» لقب داد و امضای ایران را بر سبک آثار مینیاتوری کشور، ماندگار کرد.

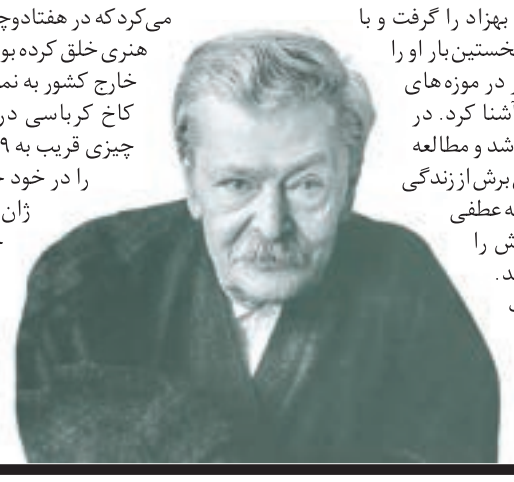

کارتون شهر

رضا جنگی

۸۰ فروشنده غیر استاندارد زعفران در مشهد شناسایی شده اند

چمدان

بجستان، شهر یاقوت های سرخ

هرچند در کشورمان شهرهای فراوانی انار کشت می کنند و همچنین در بسیاری از نواحی خزر انارهای وحشی می روید، از دیرباز بجستان خراسان در رده اول شهرهای خوشنام انارایرانی جای داشته است. دلیل آن هم شیرینی مطلوب آب قنات های بجستان است و هوای کویری و گرمای هوا نیز محیط مناسبی را برای کشت انار در این شهر فراهم کرده است. این روزها که فصل برداشت این یاقوت سرخ است پیشنهاد می کنیم سری به بجستان بزنید و از دانه های ترش و شیرین و ملس انارهایش بچشید.

روایت روز

از مهرورزی و اخلاق دینی تا وحدت معرفتی

غلامرضا بنی اسدی
روزنامه نگار

روز اخلاق و مهرورزی؛ این نامی است که تقویم برای روز میلاد پیامبر رحمت و اخلاق، حضرت محمد مصطفی(ص) و امام مهر و کرامت، حضرت صادق(ع)، برگزیده است تا در مبارک روز زاده برگزیده ترین رسول خدا و امام هدی، ما را به بایستگی ای، وابسته کند که نیاز همه روزهای زندگی است.

اکسیری که می تواند انسان را از تاریکنای قهر و کینه به روشنای بهشتی مهربانی برساند. کیمیایی که چون در دل و دیده ما جا باز کند، معجزه آن را در جامعه چنان خواهیم دید که چشم جهان را نیز روشن کند. در میان باورمندان رسولی که دین را، اخلاق معنا می‌کند و پیروان امامی که انسان را به افزایش زیبایی های رفتاری می خواند، جز به مهر نباید چشمی باز شود. گرهی در ابرو نباید جا پیدا کند، حتی اگر دستمان برای کمک به دیگری بسته باشد.

ما باید به کرامت رفتاری، به جمال اخلاقی و جلال رفتاری، به همان ترازی رشد کنیم که امام‌صادق ما را به آن می خوانند؛ شما منسوب به ما هستید، پس مایه زینت ما باشید و مایه زشتی(بدنامی) ما نباشید.» با زیستنی به این قاعده است که زندگی ما قاعده‌مند می‌شود. در تنظیمی چنین است که به نظام سازی براساس مدل نبوت و امامت می‌رسیم. مدلی که در جلوه متعالی خود، وحدت تمام‌ساحتی را به ارمغان می‌آورد. وحدت به عنوان ایمانی معرفتی که همه گستره زندگی را دربر می‌گیرد و ما را – شیعه باشیم یا سنی- بسان جان یکدیگر، جلالت می بخشد. محبت جان و دفاع از جان را هم خداوند به تکوین در ذات همه خلایق قرار داده است، چه رسد به انسان که اشرف مخلوقات است. ما با گذر از جاده مهربانی است که می توانیم اخوت و برادری را توسعه دهیم. در میدان اخلاق محمدی است که دل هایمان به هم چنان گره می خورد که به بنیان مرصوص تبدیل می شویم. با تکریم و رواداری است که روایت های نبوی در زندگی ما ترجمه عملی پیدا می‌کند. اگر این حقیقت در زندگی فردی و اجتماعی ما به واقعیت تبدیل نشود، عنوان ها نخواهند توانست ما را از مناسک به معارف برسانند. ما تشکیل دو نماز جماعت هم‌زمان از میان شرکت‌کنندگان در یک مراسم را هم دیده‌ایم و یک نماز را هم از کسانی که از چند جا آمده‌اند بارها تجربه کرده‌ایم. دومی محصول اخلاق نبوی و باور معرفتی است و اولی برون داد یک کنش تشریفاتی. با تجسم اخلاق و مهرورزی و معرفتی کردن نگاه اجتماعی، به وحدت عملی و کرامت ملی و عظمت دینی می‌رسیم.

عکس روز

فصل برداشت گردو

گردو یکی از سوغاتی‌های شهر درگز در استان خراسان رضوی است. درخت این میوه در درگز به وفور به بار می‌نشیند به طوریکه برخی از این درختان قدمت چندصد ساله دارند.

عکس: سید رسول عزیزی | میزان

عامیانه های خانگی

قدر گل بلبل شناسد قدر پیغمبر علی

مسعود نبی دوست
روزنامه نگار

قدر گل بلبل شناسد، قدر پیغمبر علی توی ادبیات، ضرب‌المثل ها یا بیت‌ها و مصرع‌های کنایه‌آمیزی هست که لابد قرن‌هاست سر زبان‌ها افتاده و معروف شده. خیلی از این بیت‌ها و مصرع‌ها هم برش‌های کوچکی از یک شعر بلند است که این بخشش خوش‌اقبال بوده و سر زبان افتاده، ولی یک بیتِ پس و پیشش را هم کسی نمی‌داند.

انگار همین برش یک حرفی داشته که ایرانی‌ها از همان قدیم فکر کرده‌اند باید گفته شود، ولی حالا چهار کلمه قبل‌تر و بعدترش شاعر چه گفته، برای کسی مهم نیست!

این مقدمه را گفتم که بگویم مادربزرگِ مادری ما گاهی وقت‌ها یک آس‌هایی از این‌جور مَثَل‌ها رو می کند که کسی توقعش را ندارد.

یعنی یک ضرب‌المثل مشهور را چنان به ترکیب پس و پیشش می‌ریزد روی دایره که نمی‌فهمی واقعاً همین بوده یا نه.

مثلاً هزار بار گفته‌اند که «سالی که نکوست، از بهارش پیداست».

بعد ایشان یک بار رو می کنند که از پس این مصرع پرکاربرد، یک مصرع پرکاربرد دیگر هم وجود داشته که حالا لابد همه یادشان رفته. از این‌قرار که «سالی که نکوست از بهارش پیداست/ خواهر که نکوست از بَرارش پیداست».

یعنی که نه‌تنها سال خوب از بهار معلوم می‌شود، که شخصیت خواهر وبرادر هم یک ربط‌هایی به همدیگر دارد!

یا آسِ مشهور دیگر ایشان، تکمله‌ای(!) است بر مَثَل مصطلح «قدر زر زرگر شناسد، قدر گوهر گوهری». ایشان این مَثَل را این‌طور تکمیل می کنند که «قدر زر زرگر شناسد، قدر گوهر گوهری/ قدر گل بلبل شناسد، قدر پیغمبر(ص)، علی(ع)».

و البته همیشه این تکمله‌ها، طوری است که آدم نمی‌فهمد الان این بیت، مال همان شاعر اولیه است یا خیالات و قریحه‌های اهالی روستای پدری ما این‌ها را ساخته و پرداخته است.

انصاف بدهید که این دومی احتمالاً به صواب نزدیک‌تر است. نیست؟

نوای رسالت

مشق عاشقی

بر بام آسمان روایتی کوتاه از تلاش هنرمندانه ای است به مناسبت میلاد حضرت محمد(ص) و امام جعفر صادق(ع) روی بوم و کاغذ، جایی که قلم و دوات مشق می‌شوند.

برای تماشای این موزیک ویدئو کد زیر را اسکن کنید:

ادامه یادداشت

... کلمه هنر در بسیاری از ساختارهای ما بعد از انقلاب اسلامی با غفلت حذف شد و کلماتی دیگر جایگزین هنر شدند. ادبیات گران سنگ ما در عصر انقلاب اسلامی بسیار به‌دست فراموشی سپرده شده است، به‌نحوی‌که در رسانه‌های مهم ما حتی حافظ خوانی به‌صورت درستی انجام نمی شود و اگر گاهی مثل شب یلدا حافظ خوانده می‌شود، پرغلط ونابجا خوانده می‌شود. زیبایی ریل همگانی سعادت ومعرفت است و اگر می خواهیم بحران های اجتماعی‌مان را برای همیشه مهار کنیم، باید بسیار بر زیبایی شناسی اجتماع خودمان متمرکز شویم. شهید عزیز ما حاج قاسم با مولوی وعطار وشعر جوان‌های امروز انس داشت، اما ساختار آموزشی ورسانه ما با نگاه غیرهنری ونادرست، انسان ایرانی را در این زمینه رها کرده است و در نتیجه تتلو شاخص‌ترین چهره موسیقی عصر ماست. به‌زیبایی برگردیم وجریان رشید هنر در تمدن اسلامی را رج بگذاریم تا جادویی وبیهودگی از میان ما رخت بربندد.